



جستجوی بقاء در ظلمات قدرت

سال بدی بود، تلخ و پرهراس، چه می‌خواهند آدم‌ها از جان خودشان و دیگران!

می‌گفت: جا تنگ است مگر؟ دنیای به این بزرگی، جهانی چنین فراخ و آن وقت این همه جلد، این همه کشتار، این همه خون، بوی خون گرفته زمین! گفت: جا تنگ نیست! نظرها تنگ می‌شود در منظر زیاده‌خواهان. جنگ بر سر قدرت است و این‌که کسانی می‌خواهند سروری کنند بر همه جهان، بر همه مردم و جا برای آن‌ها تنگ است. که ده درویش در گلیمی بخسیند و... انفجار پشت انفجار، همین جا، بقل گوشمان، بغداد، بصره، سامرا، نجف، کربلا و آن دورترها تا آن سوی اقیانوس! چه فرق می‌کند. که کجا جمجمه‌ای می‌ترکد، اندامی تکه تکه می‌شود و کودکی در آخرین لخنش می‌سوزد و زنی در رویای تولد بچه‌اش ذغال می‌شود. و این همه پوست و گوشت و استخوان نیست. جان آدمی است و حرمت انسان که به آتش و هن می‌سوزد.

گفت: وهنی که انسان بر انسان روا می‌دارد؟! گفت: آن‌که در ظلمات قدرت، در پی بقاست، چه می‌داند انسان را و چه می‌داند انسان که در این ظلمات چه می‌گذرد که از هر چشمه‌اش خونابه می‌جوشد.



ماسک کانیفر چالشی برای حفظ هویت

اخیراً دولت مصر از مدیران یک موزه هنری در آمریکا خواسته است تا ماسک زرینی را که به گفته مقامات مصری سال‌ها قبل از موزه‌ای در مصر ربوده شده است به مصر بازگردانند.

این ماسک متعلق به ملکه «کانیفر نیفر» از سلسله نوزدهم فراعنه مصر است و قدمت آن به حدود هزار و سیصد سال قبل از میلاد برمی‌گردد. این ماسک تا سال ۱۹۵۲ در مصر نگهداری می‌شده و ظاهراً در آن زمان کسی آن را از موزه سرقت کرده و در یک حراج خارجی فروخته است و به هر حال سرانجام ماسک طلایی «کانیفر» سر از موه «سن لوئیس» آمریکا در آورده است و حالا بعد از حدود ۵۰ سال دولت مصر خواهان بازگرداندن آن به کشور فراعنه شده است البته مقامات موزه سن لوئیس ضمن این‌که وجود این ماسک را در موزه تأیید کرده‌اند، مشغول مطالعه و بررسی هستند تا چنانچه واقعا مشخص شود این ماسک قبلاً در یک موزه مصری بوده است آن را به ماسک اصلی‌اش برگردانند.

اما این‌که در گیرودار این همه مسایل سیاسی و اقتصادی و تنش‌هایی که در دنیا و به ویژه در منطقه خاورمیانه و حول و حوالی آن وجود دارد مصری‌ها به فکر باز پس گرفتن این میراث تاریخی کشورشان افتاده‌اند نکته اصلی ماجراست، آن هم درست در شرایطی که آمریکایی‌ها سعی دارند از کشورهای عربی و منطقه خاورمیانه هرچه بیشتر امتیاز و در واقع باج بگیرند.

مصری‌ها به فکر مطالبه ماسک باستانی ملکه کانیفر افتاده‌اند! خُب به هر حال مصر با فرهنگ‌اش با سابقه تاریخی‌اش و با آثار باستانی‌اش، مصر است و اگر این‌ها را از دست بدهد نه هویتی برایش خواهد ماند و نه چیزی به معنای استقلال و به همین دلیل چالش برای بازگرداندن ماسک کانیفر، کمتر از یک چالش سیاسی جدی برای حفظ مافع ملی و هویت و استقلال این کشور نیست.

دانشگاه‌های جهان کم می‌شود یا زیاد و اصلاً چند نفر از مردم و از آینده سازان! این مملکت از وجود چنین کرسی‌هایی خبر دارند که بخواهند نگرانش باشند و خبر هم که بشوند چه می‌گویند؟ - ای آقا! زبان انگلیسی زبان بین‌المللی است زبان فارسی یک زبان مهجور است مگر غیر از ما ایرانی‌ها و برخی از اهل کشورهای همجوار، کسی فارسی حرف می‌زند؟ و چه می‌شود مثلاً که این کلمات آب نکشید! فارسی که فووش چهل، پنجاه میلیون آدم می‌فهمند کم رنگ شود یا از بین برود حتی ... ما داریم در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم و زندگی در این قرن قاعده خودش را دارد. و عجیب نیست شنیدن چنین مهملائی از زبان برخی از اجله روشنفکران! حتی.

... و این آغاز فاجعه است نه فاجعه فقط برای زبان و ادبیات که فاجعه‌ای برای انسان، برای بشریت و فرهنگ‌ها، یکی پس از دیگری رنگ می‌بازند و بی رنگ شدن فرهنگ‌ها یعنی خالی شدن انسان از هویت، پیشینه و جدا شدنش از رگ و ریشه‌ای که او را و ماهیت‌اش را تعریف می‌کند و در این صورت چه فرقی می‌کند که نام کسی علی باشد یا ادوارد. این اسم‌ها زمانی معنای خود را دارند و تعیین کننده هویت و ملیت و فرهنگ هستند که دلالت کنند بر پشتوانه‌ای از زبان، آداب و رسوم، آیین‌ها و... و وقتی این همه یکی شد ادوارد همان قدر بی معنا می‌شود که تقی یا تقی یا هر اسم دیگری، پس راحت‌تر است که آدم‌ها را با شماره بشناسیم. مثل ماشین و مثل هر چیز دیگری که می‌توان با شماره شناخت. اتوبان شماره ۴۹ کوچک شماره ۶۸ و اتومبیل شماره ۴۲۳۱ متعلق به فردی به شماره ۱۲۳۴۵۶.

گاهی به یاد کتاب «میرا»، می‌افتم و آدم‌هایی که هر کدام به شماره‌ای شناخته می‌شدند و هر کدام در مربعی از یک مربع بزرگ‌تر زندگی می‌کردند که به جای محله بود و بزرگترین مربع سرزمین‌شان، سرزمینی که همیشه روز بود! با نورهای مصنوعی و خانه‌ها همه از شیشه و زندگی‌ها همه انگار بر صفحه یک نمایش عمومی، بی هیچ خلوتی برای کسی و در چنین سرزمینی انسان‌ها همه مثل هم بودند هزاران فتوکپی بدون هیچ اصلی، موربانه‌هایی شماره‌دار و...

زبان، رسم و آیین و فرهنگ نه فقط برای ما که برای هر ملتی در هر جای این جهان، یک شناسنامه است و تعیین کننده هویت، شخصیت و ذات انسان‌اش. آسان نگیریم یکی شدن را در دهکده جهانی که زیستن در ظلمات بی خویشی شاید همان زندگی ابدی در جهنم باشد.

